

Praise and satire: The Chronogram of the Heydariyeh Caravanserai in Dehbid

Mohammad Sadegh Mirzaabolghasemi¹

Abstract

This article examines the historical contexts surrounding the utilization of a chronogram (māddeh-tārīkh) commemorating the construction of a caravanserai along the Shiraz-Isfahan route during the Qajar period. Situated in Dehbid, Fars Province, this edifice is referenced in historical texts as either "Heydariyeh" or "Ezz al-Molk," although it is presently predominantly identified as the Dehbid Caravanserai. This caravanserai was built by Haji Mirza Agha Khan-e Ezz al-Molk (d. 1330 AH / 1912 AC) on the site of a ruined Safavid caravanserai structure that had remained in the area. Haji Mirza Agha Khan Ezz al-Molk, son of Haji Mirza Mahdi Khan (d. 1271 AH / 1855 AC), belonged to the Qavam al-Molk Shirazi family. According to oral traditions, his unsuccessful and incomplete pilgrimage to Karbala became the impetus for constructing this caravanserai. The Dehbid Caravanserai follows a four-iwan plan, with its core structure built of brick. The northern, southern, and eastern facades each contain six chambers, while the western facade features eight. The entrance is located on the eastern side, flanked by two short circular towers at its corners—one constructed of stone and the other of brick.

The construction of this caravanserai was ostensibly completed in 1324 AH (1906 AD), prompting several Shirazi poets, including Mohammad Hossein Shoa' Shirazi (Shoa' al-Molk), to compose chronograms for the occasion. Shoa's chronogram is exceptional for its dual nature, combining praise (madh) and satire (hajv) directed at the patron. The extant correspondence of Shoa' al-Molk references this literary duality, offering insights pertinent to Iran's cultural and architectural history. This article utilizes primary historical sources, particularly the manuscripts of Mohammad Hossein Shoa' Shirazi, and employs a historical and analytical research methodology integrating library-based and field studies. The Dehbid Caravanserai is registered as a National Heritage Site of Iran under No. 4540.

The historical date of the Heydariyeh Caravanserai in Dehbid is recorded as Moharram 1324 AH (January 1906 AD) in its inscription, yet it bears the name of Mohammad Ali Shah Qajar, who ascended the throne on 24 Dhu al-Qi'dah 1324 AH (December 1906). This discrepancy confirms the inscription could not have been created prior to his accession. The chronogram on the inscription also corresponds to this year and was composed by Mirza Abbas Sahab Tehrani (Muayid al-Shu'ara).

Evidence suggests Mirza Agha Khan Ezz al-Molk, the patron, commissioned multiple poets - including Heydar Ali Nava and Mohammad Hossein Shoa' al-Molk - to draft chronograms for the caravanserai. Shoa' al-Molk's proposed chronogram equates to 1325 AH (1907 AD), and his correspondence with Ezz al-Molk and Mohammad Kazem Khan Muayid al-Sultan in early 1325 AH (1907 AD) reveals discussions about the caravanserai's name, verse count, and the inclusion of Mohammad Ali Shah's title. However, his verses demonstrate no awareness of the name or precise construction date.

Despite attempting to defend his chronogram by critiquing others' work Shoa' al-Molk failed to secure the patron's approval. This failure stemmed primarily from his negligence in timely composition and submission, as acknowledged in his munsha'at (epistolary writings). His subsequent, satirically styled chronogram reflects his frustration over this rejection.

Keywords: Heydariyeh Caravanserai, Chronogram, Inscription, Mohammad Hossein Shoa' Shirazi, Dehbid (Fars), Qajar Era

1. Associate Professor, Faculty of Art and Architect, Shiraz University, Shiraz, Iran.
abolqasemi.s@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

مدح و قدح: ماده تاریخ کاروانسرای حیدریه دهبید

محمدصادق میرزا ابوالقاسمی^۱

چکیده

موضوع این مقاله بررسی زمینه‌های تاریخی و فرهنگی تطبیع ماده تاریخ ساخت کاروانسرای حیدریه دهبید در استان فارس است. این کاروانسرا را حاجی میرزا آقاخان عزالملک (د ۱۳۳۰ق) بر جای کاروانسرای مخروبه‌ای ساخت که از دوره صفوی در این منطقه باقی مانده بود. ظاهراً ساخت و پرداخت این کاروانسرا در ۱۳۲۴ق تمام شده است و به این بهانه برخی از شعرای شیراز برای آن ماده تاریخ گفته‌اند. محمدحسین شعاع شیرازی از جمله این شعرا بوده است. ماده تاریخ او از این جهت استثناست که هم به طریق مدح و هم قدح (ذم) بانی گفته شده است. در اسناد و منشآت موجود از او به این موضوع اشاره‌هایی است که می‌تواند از منظر تاریخ فرهنگی معماری ایران شایان توجه باشد. بر این اساس، موضوع این مقاله با تکیه بر گزارش‌های دست اول تاریخی، خصوصاً دست‌نوشته‌های محمدحسین شعاع شیرازی، نوشته شده است. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی و تحلیلی، و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است.

بنا بر این بررسی، در کتیبه‌های احداثی کاروانسرای حیدریه دهبید ماده تاریخ میرزا عباس سحاب تهرانی، ملقب به مویدالشعرا، درج شده است. در این کتیبه تاریخ بنای کاروانسرا «محرّم ۱۳۲۴ق» نوشته شده، اما نام محمدعلی شاه بر آن رفته است. بنابراین این کتیبه نمی‌تواند پیش از جلوس محمدعلی شاه (۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق) نوشته شده باشد. ماده تاریخ روی کتیبه‌های احداثی نیز همین سال را نشان می‌دهد، اما ماده تاریخ پیشنهادی محمدحسین شعاع الملک با ۱۳۲۵ق برابر می‌شود. او ماده تاریخ کاروانسرای حیدریه را، با اندکی تعلل، در اول یا دوم محرم این سال سروده است و احتمالاً از همین رو بانی کاروانسرا بدان توجهی نشان نداده است. این موضوع شعاع الملک را بر آن داشته تا، در دفاع از خود، ماده تاریخ‌های پیشنهادی دیگران را نقد و نفی کند. ماده تاریخ دوم او، که با چاشنی قدح گفته شده، نتیجه ناکامی در این پیگیری است.

کلیدواژه‌ها: کاروانسرای حیدریه، ماده تاریخ، کتیبه‌های احداثی، محمدحسین شعاع الملک، دهبید فارس، دوره قاجار

احداثی یا اوراق ملکی و شرعی نیز در بیشتر موارد در دسترس نیست یا از بین رفته است. گاه از خود بنا نیز اثری نمانده است. بر این اساس، سال دقیق ساخت بسیاری از بناهای تاریخی بر ما نامعلوم مانده است. محققان در این تنگنا با اتکا به شواهد ثانوی به حدس و گمان پناه می‌برند و به تاریخ‌های تقریبی بسنده می‌کنند. چه بسا، یافتن ماده‌تاریخ یک بنا در جُنگ یا منشآت ادبی پنبه‌گمان‌ها و تفسیرها از تاریخ معماری آن بنا را بزند و قصه را دیگرگون کند.

در مطالعات تاریخ معماری ایران معمولاً به صورت موردی به ماده‌تاریخ اشاره شده است. به عبارتی، در خلال بحث از تاریخ یک بنای شاخص، ممکن است از ماده‌تاریخ احتمالی آن نیز یاد شود. ماده‌تاریخ معماری در گام نخست به نام‌ونشان بانی و تاریخ معماری (سال پایان ساخت بنا) تصریح می‌کند. توقع از ماده‌تاریخ در مطالعات تاریخ معماری ایران نیز بیش از این نبوده است. با این حال، موضوع این مقاله بررسی زمینه‌های تطبع ماده‌تاریخ یک بناست. این بنا کاروانسرای قاجاری است که در دهبید فارس، از منزلگاه‌های اصلی راه قافله‌رو شیراز-اصفهان، قرار گرفته است و بیشتر با عنوان کاروانسرای دهبید شناخته می‌شود. در منابع مکتوب تاریخی از این کاروانسرای نویناد با عناوین «حیدریه» یا «عزالملک» یاد می‌شود (نک: منشی‌زاده یزدی، ۱۳۷۱: ۱۵؛ شعاع شیرازی، دیوان شعر (نسخه خطی)، ش ۳۰۳). هیچ‌کدام از این نام‌ها امروز شهرت ندارد. کاروانسرای دهبید با شماره ۴۵۴۰ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

مقدمه

ماده‌تاریخ از انواع تعمیمه در ادب فارسی است. در این صنعت ادبی تاریخ یک رویداد (معمولاً سال) از عدد به حروف بدل می‌شود و در قالب یک کلمه یا عبارت بیان می‌گردد. قدر عددی حروف جُمَل (ابجد) معیار این محاسبه است. ماده‌تاریخ از شیوه‌های رایج ضبط تاریخ معماری نیز هست و دست‌کم از قرن ششم سابقه دارد. با این حال، تطبع ماده‌تاریخ با موضوع معماری در ایران از دوره صفوی افزایش چشمگیری یافته است (نک: نخجوانی، ۱۳۴۳: ۵۲۵-۷۲۴). این موضوع با استقبال از تفنن در علوم ادبی و گسترش تعمیمه‌گویی در این دوران بی‌ارتباط نیست.

به طور کلی، در مبتدای ماده‌تاریخ‌های معماری از بانی اثر سخن می‌رود، و گاهی به پادشاه یا حاکم محلی وقت اشاره می‌شود. اشاره به خصوصیات بنا نیز با وصف‌های اغراق‌آمیز همراه است. ساختن ماده‌تاریخ معمولاً با پایان کار معماری و بهره‌برداری از بنا مصادف می‌شود. با این حساب، ماده‌تاریخ‌های معماری به چکامه افتتاح بنا می‌مانند. از این منظومه‌ها در کتیبه‌ احداثی بناها نیز استفاده شده است. مستمسک برای گفتن ماده‌تاریخ در معماری متنوع است؛ ممکن است افراشتن بنا یا جزئی از آن موضوع ماده‌تاریخ باشد. تعمیر کلی یا جزئی بنا نیز می‌تواند بهانه این موضوع شود. گاهی حتی ویرانی دست‌مایه تطبع ماده‌تاریخ بوده است.

پدیده ماده‌تاریخ در مطالعات تاریخ معماری ایران غنیمت است. در منابع مکتوب تاریخی گاه از ثبت اطلاعات ابتدایی یک بنای شاخص دریغ شده است. اسناد مکتوب بناها، مثل کتیبه‌های

هدف از این مقاله تشریح ابعاد تاریخی و فرهنگی سرودن ماده تاریخ کاروانسرای حیدریه دهیید با تکیه بر اسناد و گزارش‌های دست اول تاریخی، خصوصاً دست‌نوشته‌های محمدحسین شعاع شیرازی، است. محمدحسین شعاع از جمله شاعرانی است که برای این کاروانسرا ماده تاریخ ساخته است. ماده تاریخ او از این جهت استثناست که هم به طریق مدح و هم قذح (ذم) بانی گفته شده است. این موضوع همچنین می‌تواند موجب شناخت برخی از موارد زمینه‌ای در رویکرد بنیان و رقابت شاعران در گفتن ماده تاریخ معماری شود. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی و تحلیلی است، و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است.

کاروانسرای حیدریه

بر اساس شواهد تاریخی، دهیید دست‌کم از سده چهارم هجری جزو منازل اصلی راه شیراز - اصفهان بوده است. این راه حداقل اصطخر تا ایزدخواست دو شاخه می‌شد و باز به یکدیگر می‌پیوست. دهیید در شاخه شرقی این راه، موسوم به راه زمستانه قرار می‌گرفت (نک: ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۸۱؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۵؛ شوارتس، ۱۳۸۲: ۲۳۱-۲۳۲). می‌دانیم که در دوره صفوی کاروانسراهای متعددی بر سر منازل راه شیراز - اصفهان بنا گذاشته یا تعمیر شد. بیشتر این کاروانسراها به دوره حکومت شاه عباس نسبت داده می‌شود و حتی برخی به «شاه‌عباسی» مشهور است. یکی از این کاروانسراها در دهیید قرار داشت. گزارش‌هایی که مسافران تا پیش از ۱۳۲۴ق از اقامت در کاروانسرای دهیید می‌دهند ناظر به این بنای صفوی است (مثلاً نک: سیاح، ۱۳۵۶: ۲۹؛ سدیدالسلطنه مینایی بندرعباسی، ۱۴۰۰: ۵۶-۵۷؛ دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۷۷: ۳۵، ۲۰۰؛ منشی، ۱۳۸۹: ۴۲). کاروانسرای

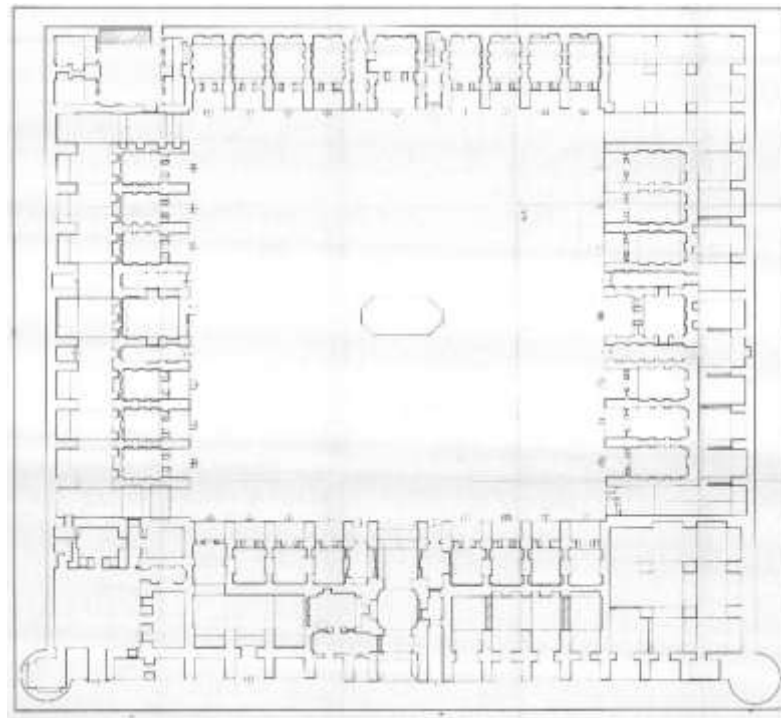
صفوی دهیید به کلی ویران شده، اما نقشه‌ای از آن در دسترس است. این نقشه را چالز تکسیر (۱۸۰۲-۱۸۷۱م)، معمار و باستان‌شناس فرانسوی، در ۱۲۵۵ق کشیده است (Texier, 1852: 547). طبق این نقشه کاروانسرای صفوی دهیید از کاروانسراهای هشت‌ضلعی با الگوی چهارایوانی بوده است. ماکسیم سیرو با استناد به نقشه مذکور حدس زده که کاروانسرای دهیید با کاروانسراهای امین‌آباد و خان‌خوره از یک دوره، بلکه یک معمار، باشد (سیرو، ۱۳۲۸: ۱۳۷). این کاروانسراها نیز بر سر راه کاروانی شیراز - اصفهان قرار گرفته است. می‌دانیم که سنگ‌بنای کاروانسرای امین‌آباد به الله‌وردی خان و امام‌قلی خان، حاکمان فارس در دوره شاه عباس صفوی، منسوب است (میرزاالبوقاسمی، ۱۴۰۳: ۱۶-۱۷). از قضا، صاحب *هنایه السییل* (تألیف ۱۳۱۰ق) نیز کتیبه‌های کاروانسرای صفوی دهیید را خوانده است.^۲ بنا بر این گزارش، کاروانسرای صفوی دهیید در ۹۷۲ق به سرکاری شاه ولی سلطان تاتی اغلی ذوالقدر بنا شده است.^۳ محمدعلی میرزای منشی، از فرط خرابی و کثیفی کاروانسراهای صفوی در این حدود، اظهار امیدواری کرده بلکه یکی از متمولین فارس بانی ساخت کاروانسرای تازه شود (منشی، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۲). مدت کوتاهی پس از این اظهار نظر، حاجی میرزا آقاخان عزالمملک (د ۱۳۳۰ق) سنگ بنای کاروانسرای را در دهیید گذاشته است.

حاجی میرزا آقاخان عزالمملک، فرزند حاجی میرزا مهدی‌خان (د ۱۲۷۱ق)، از خاندان قوام‌المملک شیرازی بود. صاحب *فارسنامه ناصری* او را از اخلاف محمدعلی‌خان، فرزند پنجم حاجی هاشم شیرازی، دانسته است (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۹۷۰/۲). نام اصلی او حیدرعلی بود و این نام را از پدر بزرگش به ارث داشت. حاجی میرزا آقاخان عزالمملک مدتی رئیس‌التجار فارس بود، اما بیشتر به واسطه کارگزاری امور دولت‌های خارجی، خصوصاً روسیه، در فارس

صفوی دهیید بر اثر ساخت کاروانسرای نوبنیاد حاجی میرزا آقاخان عزالملک از بین رفته است.^۴ کاروانسرای حیدریه دهیید چهارایوانی است و هر چهار ایوان آن با طاق تیزه‌دار بسته شده است. از این میان، ساختار اجزای معماری اضلاع شمالی و جنوبی قرینه به نظر می‌رسد. هر کدام از این اضلاع شش حجره اصلی دارد. چسبیده به پایه ایوان‌ها نیز دو راهرو (حجره کوچک) دیده می‌شود. این راهروها به ایوان‌ها راه داشته است. اسطبل‌های اصلی کاروانسرا نیز پشت حجره‌های همین اضلاع قرار گرفته است. تعداد حجره‌های ضلع شرقی کاروانسرا نیز با اضلاع شمالی و جنوبی برابری می‌کند، اما تأسیسات پشت حجره‌های آن، به واسطه استقرار دستگاه ورودی، متفاوت به نظر می‌رسد. ضلع غربی نیز هشت حجره دارد و پشت حجره‌ها بسته است. اساس ساختمان این کاروانسرا از آجر بنا شده است (تصویر ۱).

شناخته می‌شد (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۰۶/۲؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۹۷۰/۲). او در بیرون دروازه باغ شاه شیراز باغی داشت که به «باغ میرزا آقاخان» مشهور بود (آریانپور، ۱۳۶۵: ۱۸۷؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۸۳۹/۲-۸۴۳). مدرسه ناظمیه و مریض‌خانه حیدریه از دیگر مآثر او در شیراز بود (نک: یزدان‌پناه، ۱۳۴۲: ۹؛ امداد، ۱۳۸۵: ۳۲۱؛ رضائی، ۱۳۸۲: ۱۷-۲۰).

بنا بر روایات محلی، سفر ناموفق و ناتمام حاجی میرزا آقاخان عزالملک به کربلا بهانه ساخت این کاروانسرا شده است. گویا او برای زیارت عتبات - به علت ناامنی راه‌های فارس - مسیر اصفهان را در پیش می‌گیرد، اما کاروانش در دهیید برف‌گیر می‌شود و ناچار باز می‌گردد. نبود اقامتگاه مناسب در دهیید علت اصلی عدم توفیق حاجی میرزا آقاخان عزالملک در این سفر عنوان شده است. از این رو، او تصمیم می‌گیرد تا در اراضی کاروانسرای نیمه‌ویران صفوی بنایی تازه بگذارد (امینی، ۱۳۹۵). به عبارتی، بقایای کاروانسرای



تصویر ۱. پلان کاروانسرای حیدریه فارس. تاریخ ساخت ۱۲۲۴ق.
ماخذ: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری، و صنایع دستی فارس



تصویر ۲. نمای سردر کاروانسرای حیدریه فارس. تاریخ ساخت ۱۳۲۴ق

«بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله والتوفيق من الله. در عهد سلطان اعظم محمدعلی شاه - خلد الله ملكه - بنای این سرای رفیع نمود جناب اجل الحاج حیدرعلیخان عزالملک، فی تاریخ محرم ۱۳۲۴، به سعی حاج محمدباقر معمار، تمنای طلب مغفرت دارم.

بنا شد این رباط حیدریه
بعون حضرت خیر و آله
بتاریخ بنای او مؤید
چنین گفتا به بیت آخریه
بعزالملک عزّ و جاه در دهر
بیفزود این رباط حیدریه

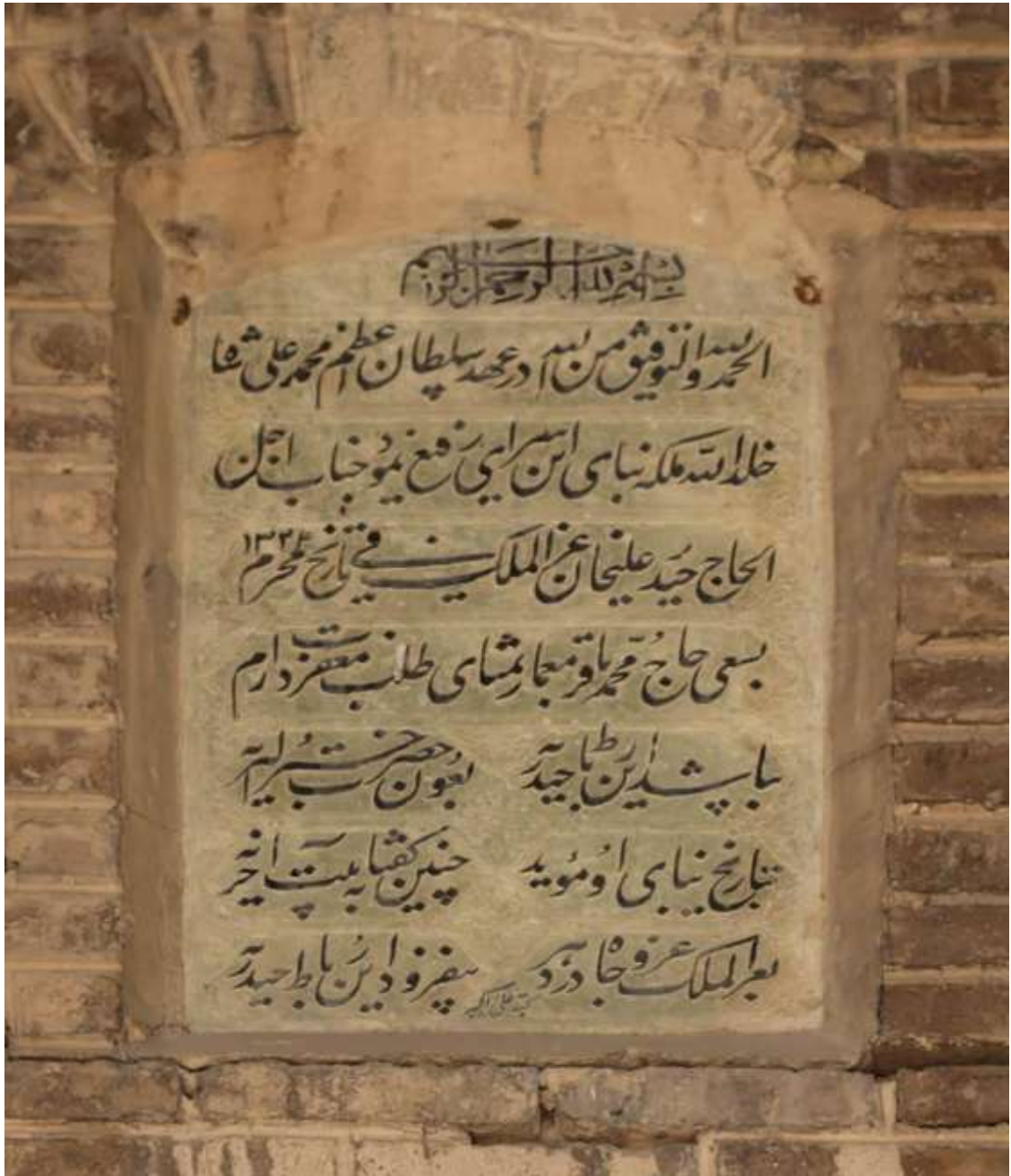
کتبه علی اکبر»

ابیات ماده تاریخ این کتیبه از میرزا عباس سحاب تهرانی، متخلص به «مؤید» و ملقب به «مؤیدالشعرا» و «خاتم الشعرا» است. درباره او همین قدر می دانیم که اصالتاً اهل فارس بود، اما در تهران نشو و نما کرد. او سالها در شیراز زیست و به هندوستان سفر کرد و

همانطور که اشاره شد، دستگاه ورودی کاروانسرای حیدریه دهبید در ضلع شرقی افتاده است. درواقع، ایوان ضلع شرقی راهرو دسترس به بیرون کاروانسراست. در میان این راهرو یک هشتی تعبیه شده و با رسمی بندی مختصری تزئین گردیده است. پایه ها و لچکی پیشانی طاق تیزه دار سردر نیز تزئینات آجرتراش دارد. دیوار بیرونی این ضلع از کاروانسرا امروز سر خیابان افتاده و در آن تصرف شده است. با این حال، همچنان می توان وضع اصیل دیوار را تصور کرد. در گوشه های این ضلع دو برج مدور کوتاه نیز دیده می شود که یکی از سنگ و دیگری از آجر است (تصویر ۲).

کتیبه احدائی

کتیبه احدائی کاروانسرای حیدریه با قلم نستعلیق نوشته شده و در سنگ حک شده است (تصویر ۳). این کتیبه، که تنها کتیبه کاروانسراست، بر صدر سردر قرار گرفته و متن آن چنین است:



تصویر ۳. کتیبه
احداثی سردر
کاروانسرای حیدریه
فارس. تاریخ ساخت
۱۳۲۴ق

میر محبوب علی خان صدیقی بیافندی ششمین نظام حیدرآباد دکن (۱۲۸۵-۱۳۲۸ق)، بوده است. این نامه تاریخ ندارد، اما در آن از مؤیدالشعرا با القاب و عبارات تمجیدآمیز یاد می‌شود. گویا او مکتبی به «ابوالفضل» بود و، علاوه بر طبع شعر، صدای خوشی نیز داشت.^۵

شعاع‌الملک جزو معدود تذکره‌نویسانی است که از مؤیدالشعرا یاد کرده است. او در نامه‌ای،

سرانجام در بیست‌وهشتم ذی‌حجه ۱۳۲۹ق در غربت وفات یافت. او قصیده خوب می‌گفت و به‌قولی شعر را بهتر از نظم می‌سرود (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۸؛ عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۵۷۵/۱). از توصیه‌نامه‌ای که علی بن ابوالحسن موسوی، ملقب به سلطان‌العلماء، در حیدرآباد دکن برای مؤیدالشعرا نوشته است نیز چنین بر می‌آید که او در هندوستان مورد توجه و حمایت راجه کشن پرشاد متخلص به شاد مدار المهام، وزیر

که به فرصت الدوله نوشت، مویداالشعرا را مانوس غلامحسین غفاری کاشانی، مشهور به وزیر مخصوص، دانسته است (شعاع شیرازی. دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۳۰۰). غلامحسین غفاری کاشانی پس از تحسن و اعتصاب مردم شیراز بر علیه شعاع السلطنه به فارس مأمور شد و مدت کوتاهی (شوال ۱۳۲۳ - ربیع الثانی ۱۳۲۴ق) زمام امور را در دست داشت (نک: نصیری طیبی، ۱۳۸۶: ۹-۱۰؛ شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۲۰؛ امداد، ۱۳۸۷: ۴۲۶-۴۳۷). نامه شعاع الملک به احتمال بلافاصله از خلع او نوشته شده است. شعاع الملک در این نامه می گوید از وقتی وزیرمخصوص به شیراز آمد همه شاعران و مادحان محروم شدند، الا مویداالشعرا که برات دویست تومانی نقد می کرد (شعاع شیرازی. دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۳۰۰). او در تذکره شعاعیه نیز به طعن می گوید مویداالشعرا «طریق اخاذی را بلد و مادح هر نیک و بد» است (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۷). بیشتر اشعار دیوان های خطی در دسترس مؤیدالشعرا مدحیه است. مدح های متعدد او از وزیر مخصوص در این نسخه ها می تواند ناظر به گفته های شعاع الملک باشد. مؤیدالشعرا برخی از خاندان قوام الملک را نیز مدح گفته است. چند ماده تاریخ معماری نیز در دیوان او ضبط شده است، اما شامل ماده تاریخ کاروانسرای حیدریه نمی شود.^۶

ماده تاریخ محمدحسین شعاع الملک

محمدحسین شعاع شیرازی (۱۲۸۹-۱۳۶۳ق)، ملقب به شعاع الملک، از شاعران مطرح شیراز در سده چهاردهم هجری بود. او در انواع قالب های شعری طبع آزمایی می کرد، اما در قصیده سرایی شهرت بیشتری داشت. قصیده های شعاع الملک

بیشتر مدحیه است. او بسیاری از رجال وقت فارس را مدح گفته است. شعاع الملک هجو و هزل نیز می گفت و از قضا برخی ممدوحان خود را هجو کرده است. تذکره های شکرستان فارس و شعاعیه و اشعه شعاعیه از مهم ترین آثار مکتوب اوست. موضوع این تذکره ها معرفی و گردآوری اشعار منتخب شعرای فارس است. ظاهراً او در اواخر عمر به تدوین دیوان اشعار خویش نیز پرداخت. دیوان او بالغ بر سی هزار بیت تخمین زده شده که اغراق آمیز به نظر می رسد.^۷ بخش مهمی از این دیوان، که در شش دفتر در بخش نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود، شامل ماده تاریخ است. ماده تاریخ های شعاع بیشتر ناظر به حوزه تاریخی و جغرافیایی فارس است.

همان طور که پیش تر اشاره شد، شعاع به مناسبت بنای کاروانسرای حیدریه دهبید نیز ماده تاریخی ساخته است. این ماده تاریخ در سه دفتر از دیوان شعاع با متنی مشابه تکرار شده است^۸ و شامل هفت بیت در قالب قطعه و وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن می شود:

تعالی الله از این عالی بنای محکم متقن
که از رفعت به چرخ چارمین هملوش و همتا شد
یکی صحرای وحشت خیز بود از پیش و در این دم
پراسایش سرایی کاروانان را به صحرا شد
امیر معدلت خو^۹ حاج عزالملک روشن دل
که خورشید فلک پیش رخس حیران چو حرا شد
ز جیب جود بیرون کرد دست همت فطری
ز رفعت این سرا را از ثری سر بر ثریا شد
در این صحرای سرماخیز گرمازا به هر فصلی
بنایش عابرین را حافظ از سرما و گرما شد

شعاع از بهر تاریخش چو مأمور آمد از بانی
فرو در بحر فکرت همچو غواصان دریا شد
به پیش آورد پس پای از سرای و این چنین گفتا
«به دهید این سرای از امر عزالملک برپا شد»

در دفاتر دیوان / شعاع الملک معدودی از مکاتبات او نیز ثبت و ضبط شده است. دست کم، چهار نامه از این منشآت درباره سرودن ماده تاریخ کاروانسرای حیدریه است. این نامه‌ها در فاصله اول تا بیستم محرم ۱۳۲۵ق، خطاب به حاجی میرزا آقاخان عزالملک و محمدکاظم خان مویداالسلطان نوشته شده است.^{۱۰} ظاهراً سفارش ماده تاریخ اتمام بنای کاروانسرای حیدریه با واسطه محمدکاظم خان مویداالسلطان به شعاع الملک سپرده شده بود. در ابیات بالا نیز تلویحاً اذعان می‌شود که حاجی میرزا آقاخان عزالملک سرودن ماده تاریخ این کاروانسرا را به شعاع الملک سفارش کرده است. نامه نخست شعاع الملک پیش از سرودن ماده تاریخ نوشته شده است. او در این نامه از محمدکاظم خان مویداالسلطان سه سوال پرسیده است: یکی اینکه چند بیت گفته شود؛ دیگر اینکه نام دقیق کاروانسرا چیست؛ و آخر اینکه به پادشاه وقت تعریضی زده شود یا خیر. ما به پاسخ احتمالی محمدکاظم خان مویداالسلطان دسترس نداریم، اما چنانکه از نامه دوم شعاع الملک بر می‌آید، او در فاصله یک روز از طرح این سوالات ماده تاریخی برای حاجی میرزا آقاخان عزالملک ارسال کرده است. به عبارتی، او ماده تاریخ مذکور را در فاصله یکم تا دوم محرم ۱۳۲۵ق سروده است. در این ماده تاریخ صرفاً از «عزالملک» یاد می‌شود، اما در

کتیبه احدثی بر «حیدریه» به عنوان نام کاروانسرا تصریح شده است.^{۱۱}

محمدحسین شعاع الملک در مقدمه نامه نخست از نگرفتن دستورالعمل سرایش ماده تاریخ «در آن مقام بی‌هنگام» از محمدکاظم خان مویداالسلطان عذر خواسته است. منظور از مقام بی‌هنگام برای ما دقیقاً روشن نیست، اما احتمالاً به ناآرامی‌های شیراز پس از حکومت منصور میرزا شعاع السلطنه^{۱۲} یا مرگ مظفرالدین شاه اشاره کند. در کتیبه احدثی کاروانسرای حیدریه از محمدعلی شاه نام رفته است. به عبارتی، کتابت و حجاری این کتیبه پس از مرگ مظفرالدین شاه (۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق) انجام پذیرفته است. این موضوع با تاریخ روی کتیبه (محرم ۱۳۲۴ق) تطابق نمی‌کند. بعید نیست سفارش ماده تاریخ به شعاع الملک نیز به اواخر این سال باز گردد. به هر صورت، به نظر می‌رسد، شعاع الملک در ساختن ماده تاریخ کاروانسرای حیدریه اندکی اهمال کرده است. چه بسا، محمدکاظم خان مویداالسلطان نیز پاسخ نامه او را نداده باشد. به عبارتی، شعاع الملک بلافاصله از نامه اول و به حساب سفارش اولیه حاجی میرزا آقاخان عزالملک، پیشدستی کرده و ماده تاریخی گفته و فرستاده است. به هر ترتیب، به ماده تاریخ پیشنهادی شعاع الملک التفاتی نشده و او قافیه را به شعرای رقیب باخته است. او، پس از این ماجرا، خطاب به حاجی میرزا آقاخان عزالملک نوشته است: «شنیده شد که دیگران هم در این مورد و زمینه چیزی گفته‌اند. اکنون در عالم دانش بر آن جناب فرض است که گفته‌ها را به میزان خرد سنجیده سخن هر یک کامل‌عیارتر آید، قطع نظر از گوینده، نمایند و همان را امر به نقش و نصب فرمایند. چنانچه در امتیاز آنان

تأملی داشته باشند فقط مصراع ماده تاریخ‌ها را بدون اسم گوینده در ورقه نوشته به ارباب خبرت نمایند تا تصدیق آنان برای جناب‌عالی سند گردد. به هر صورت، بنده فضولاً تاریخ نگفتم. اگر قبول است به مقتضایش عمل نمایند و اگر نکول است تاریخ را رد فرمایند» (شعاع شیرازی. دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۳۰۰).

شعاع‌الملک تنها به این عریضه بسنده نکرد. او، که خود را محق می‌دانست، در نامه‌ای طعن‌آمیز خطاب به حاجی میرزا آقاخان عز‌الملک به نقد ماده تاریخ‌های دیگری پرداخته که درباره این کاروانسرا گفته شده بود. ظاهراً علاوه بر میرزا عباس سحاب تهرانی (مؤیدالشعرا)، شاعر ماده تاریخ کتیبه‌ی احدائی، حیدرعلی نوا ملقب به تاج‌الشعرا (د ۱۳۴۱ق)^{۱۳} نیز در این خصوص تطبع کرده بود. در نامه شعاع‌الملک بیت ماده تاریخ مؤیدالشعرا به صورت «بعز‌الملک عزّ و جاه جاوید / بیفزود این رباط حیدریه» ثبت شده و به مجموع ابجد آن اشکال وارد گردیده است. این بیت با آنچه در کتیبه‌ی احدائی کاروانسرا آمده است اختلاف دارد. به عبارتی، شعاع‌الملک در ضبط ماده تاریخ مؤیدالشعرا اشتباه کرده و طبعاً ایراد او بی‌مبنا بوده است. میرزا حیدرعلی نوا ملقب به تاج‌الشعرا نیز ماده تاریخ کاروانسرای حیدریه را در «کند از خوبی عز ملک تمجید» دیده بود. حساب ابجد این مصراع برابر ۱۳۲۴ می‌شود. شعاع‌الملک گفته است که این ماده تاریخ خبری بدون مبتداست. به عبارتی، در مقدمه آن از بانی سخن نرفته و از او تمجید نشده است. وانگهی، الف‌ولام‌والی از لقب بانی افتاده و تخفیف یافته است. شعاع‌الملک، بنا به پیش‌فرضی که داشت، سال پایان معماری کاروانسرا را ۱۳۲۵ق

می‌دانست. از همین رو، به مجموع ابجد این ماده تاریخ نیز ایراد گرفته و آن را یک عدد کم دانسته است. او پس از پیگیری‌های مذکور و ناکامی در جلب رضایت بانی به هجو روی آورده و مجدداً ماده تاریخ بر همان وزن و قافیه و ردیف سابق ساخته و حاجی میرزا آقاخان عز‌الملک را نواخته است:

به اتمام سرای حاج عز‌الملک ذلت‌جو
سرودم ماده تاریخی که اندر جمع یکناشد
چو درک آن سخن ناکرد باید مُرده‌اش خوانم
که مردن بهتر از این زندگانی‌های بیجا شد
به جزئی انحرافی نیز آن تاریخ را گفتم
«به دهید این سرای از مرگ عز‌الملک برپا شد»

شعاع‌الملک از معامله‌ی اشیاء عتیقه امرار معاش می‌کرد. مدح نیز می‌گفت و صلّه می‌گرفت. دیوان او مملو از مدایحی است که بدین طمع سروده شده است. او برخی اعضای خاندان قوام‌الملک، از جمله محمدرضاخان قوام‌الملک، حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک، محمدعلی‌خان نصرالدوله، ابراهیم‌خان قوام‌الملک، و میرزا ابوالقاسم‌خان نصیرالملک را بارها مدح کرده است. حاجی میرزا آقاخان عز‌الملک نیز از ممدوحان او بوده است. از طرفی، او ذاتاً آدمی تندخو بود و استبداد عقیده داشت. در شاعری نیز خود را تافته‌ی جدا بافته می‌دانست و نسبت به دیگران اظهار برتری می‌کرد. صاحب *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*، که با او حشر و نشر داشت، می‌گوید که «جز انتقاد و بدگویی از شعرا و نویسندگان معاصر ایران عموماً و شیراز خصوصاً» نمی‌گفت (رکن‌زاده‌آدمیت، ۱۳۳۹: ۲۶۹/۳). او، اگر از کسی کدورتی پیدا می‌کرد، به هجو روی می‌آورد. همان‌طور که پیش از این گفته شد، از هجو ممدوحان خود نیز ابایی نداشت. با این

پیشنهادی محمدحسین شعاع‌الملک با ۱۳۲۵ق برابر می‌شود. او در اوایل همین سال با میرزا آقاخان عز‌الملک و محمدکاظم‌خان مؤیدالسلطان مکاتباتی داشته و درباره نام کاروانسرا، تعداد ابیات، و تضمین نام محمدعلی‌شاه قاجار در نظم ماده تاریخ استفسار نموده است. با این حال، محتوای ابیات ماده تاریخ و نشان می‌دهد که نه از نام انتخابی برای کاروانسرا خبر داشته و نه تاریخ دقیق ساخت را می‌دانسته است. او همچنین تلاش کرده تا با نقد مواد تاریخی دیگران از ماده تاریخ پیشنهادی خود دفاع کند. با این حال، بیشتر ایرادهای او در این باره نارواست، مثلاً چون بیت ماده تاریخ مؤیدالشعرا را اشتباه برداشت کرده، حساب ابجد آن را نادرست دانسته است. به هر ترتیب، شعاع‌الملک در جلب توجه بانی کاروانسرا ناکام مانده است. علت اصلی این موضوع به سهل‌انگاری او در سرودن و ارسال به موقع ماده تاریخ باز می‌گردد. شعاع‌الملک در منشآت خود تلویحاً به این کوتاهی اشاره کرده، اما از پیگیری موضوع نیز منصرف نشده است. ماده تاریخ دوم او، که با چاشنی قدح گفته شده، نتیجه ناکامی در این پیگیری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. چالز تکسیر در این سال برای دیدن پاسارگاد و تخت‌جمشید از اصفهان به سمت شیراز حرکت کرد و یک شب را در دهبید گذراند. او می‌گوید دهبید کاروانسراهای متعددی دارد، اما همگی خرابه و غیر قابل استفاده هستند.

حساب، به نظر می‌رسد، شعاع‌الملک بی‌اعتنایی حاجی میرزا آقاخان عز‌الملک، به ماده تاریخی که برای کاروانسرای حیدریه گفته بود، را بر نتافته و به هجو دست برده است. با این همه، شعر مایه کسب شعاع‌الملک بود. او چند سال بعد در وصف تأسیس مریض‌خانه خیریه حاجی میرزا آقاخان عز‌الملک، موسوم به «حیدریه»، ماده تاریخی مفصل سروده است.^{۱۴}

نتیجه‌گیری

کاروانسرای حیدریه دهبید از مآثر حاجی میرزا آقاخان عز‌الملک است. نام کوچک حاجی میرزا آقاخان «حیدرعلی» بود و وجه تسمیه کاروانسرا به این نام باز می‌گشت. او پس از سفر ناموفق خود به عتبات عالیات و برف‌گیرشدن در دهبید مصمم شد تا در این منطقه کاروانسرای بسازد. کاروانسرای حیدریه چهارایوانی است و بر روی خرابه‌های کاروانسرای صفوی دهبید ساخته شده است. معمار این کاروانسرا نیز محمدباقر معمارباشی بوده است.

تاریخ بنای کاروانسرای حیدریه دهبید در کتیبه احدائی محرم ۱۳۲۴ق درج شده، اما نام محمدعلی‌شاه بر آن رفته است. بنابراین این کتیبه نمی‌تواند پیش از جلوس محمدعلی‌شاه (۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق) تهیه شده باشد. ماده تاریخ روی کتیبه احدائی نیز همین سال را نشان می‌دهد. این ماده تاریخ سروده میرزا عباس سحاب تهرانی ملقب به مؤیدالشعراست. به نظر می‌رسد، میرزا آقاخان عز‌الملک سرودن ماده تاریخ کاروانسرا را به شاعران دیگری، از جمله حیدرعلی نوا و محمدحسین شعاع‌الملک، نیز سفارش کرده است. از این میان، ماده تاریخ

۲.

«ولی سلطان غلام شاه طهماسب
که باشد در پناه لطف معبود
بدین خوبی عمارت‌ها که بینی
برای خیر همت کار فرمود
امیرالمؤمنین بنهاد طرحش
غلام خویش را سرکار فرمود
نشان ختم نامش گفت هاتف
علی بیک حسینی ابن محمود
اگر پرسند تاریخ بنایش
بگو در نهصد و هفتاد و دو بود»
(منشی، ۱۳۸۹: ۴۲).

۳. شاه ولی سلطان ذوالقدر، فرزند علی سلطان تاتی اغلی
ذوالقدر (د ۹۶۵ق)، در فاصله سال‌های ۹۶۵-۹۷۳ق حاکم
فارس بود (نک: منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱-۲/۳۹۷، ۴۵۶، ۴۸۹؛
حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱-۴۰۶/۲-۴۱۷، ۴۱۷-۴۱۸).
۴. ظاهراً تا چندی پیش هنوز آثاری از کاروانسرای
قدیمی باقی بوده است.

۵. این نامه در فهرست کتابخانه دانشگاه تهران
به‌اشتباه فرمان لقب «مؤیدالشعرا» به میرزا عباس
سحاب تهرانی از طرف میر محبوب‌علی‌خان و راجه
کشن پرشاد تلقی شده است و در بیان نام مولف آن
نیز دقت کافی صورت نپذیرفته است (تهران: دانشگاه
تهران، ش ۷۵۷۶/۱۳). مؤیدالشعرا اشعاری نیز در
مدح حامیان خود در حیدرآباد دکن سروده است.

۶. نک: مؤیدالشعرا، دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۶۰؛
مؤیدالشعرا، دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۲۵۳۵؛
مؤیدالشعرا، دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۱۲۸۲۸.

۷. درباره او نک: شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۳۵-۶۳۶؛
فرصت شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۹۳؛ داور شیرازی، ۱۳۷۱:
۳۰۰-۳۰۵؛ رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۹: ۲۶۸/۳-۲۸۵؛
امداد، ۱۳۸۸: ۲۳۳-۲۳۸.

۸. زیر این عنوان: «تاریخ بنای کاروانسرای حاجی
عزالملک در ده‌بید فارس» (شعاع شیرازی. دیوان شعر
(نسخه خطی). ش ۲۹۹)، «تاریخ اتمام سرای حاجی
عزالملک در ده‌بید» (شعاع شیرازی. دیوان شعر
(نسخه خطی). ش ۳۰۰)، و «تاریخ کاروانسرای
عزالملک در ده‌بید» (شعاع شیرازی. دیوان شعر
(نسخه خطی). ش ۳۰۳).

۹. معدلت جو (شعاع شیرازی. دیوان شعر (نسخه
خطی). ش ۲۹۹).

۱۰. محمدکاظم‌خان مؤیدالسلطان به‌احتمال همان
محمدکاظم‌خان قوامی باشد که پس از وفات پدرش،
محمدصادق‌خان مستشارالسلطنه، به مستشارالسلطنه
دوم مشهور شد، و لقب مؤیدالسلطان را به پسرش
فتح‌الله‌خان انتقال داد. او برادرزاده ابوالقاسم‌خان
نصیرالملک بود (نک: رجال فارس در واپسین دوره
قاجار، ۱۴۰۰: ۱۱۱).

۱۱. مریض‌خانه‌ای که عزالملک چندسال بعد ساخت
نیز به حیدریه موسوم گشت (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۷). به
قول محمدحسین شعاع‌الملک:

«به حیدریه مسمی به نام خویشش کرد
که تا بگردد نامش به نیکوئی مقرون»
(دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۳۰۰).

۱۲. منصورمیرزا شعاع‌السلطنه در مدت حکومت
فارس (۱۳۲۲-۱۳۲۳ق) بر اراضی مرغوب شیراز
دست انداخت و خصوصاً در تصرف املاک
کریم‌خانی (ارگ و بازار و حمام و غیره) پافشاری
کرد. این قضیه موجب اعتراض شدید مردم شیراز
شد و تا مدت‌ها بعد از برکناری او نیز ادامه یافت
(نک: شفیع‌ی سروستانی، ۱۳۹۰: ۷۹-۱۳۰؛ نصیری
طیبری، ۱۳۸۶: ۸-۱۳). این دوران با آغاز
مشروطه‌خواهی نیز مصادف بود.

۱۳. حیدرعلی نوا فرزند محمدمهدی آسوده شیرازی بود.
او لقب تاج‌الشعرا را از محمدتقی رکن‌الدوله گرفت. در

رجال فارس در واپسین دوره قاجار: حکومت بریتانیا در هند (۱۴۰۰). ترجمه کاوه بیات، تهران: شیرازه کتاب ما.

رضایی، امید (۱۳۸۲). «پیشگامان راه اندازی سه مریضخانه مجهز در شیراز»، وقف میراث جاویدان، ۴۱-۴۲: ۱۶-۲۴.

رکن زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۳۹). دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج ۳، تهران: کتابفروشی اسلامییه.

سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی (۱۴۰۰). سفرنامه: التذقیق فی سیر الطریق، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

سیاح، محمدعلی بن محمدرضا (۱۳۵۶). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، تصحیح سیف‌الله گلکار، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.

سیرو، ماکسیم (۱۳۲۸). کاروانسرای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ترجمه عیسی بهنام، تهران: سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران.

شعاع شیرازی، محمدحسین (۱۳۸۰). تذکره شعاعیه، تصحیح محمود طاووسی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

شعاع شیرازی، محمدحسین. دیوان شعر (نسخه خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۲۹۹.

شعاع شیرازی، محمدحسین. دیوان شعر (نسخه خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۳۰۰.

شعاع شیرازی، محمدحسین. دیوان شعر (نسخه خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۳۰۳.

شفیعی سروستانی، مسعود (۱۳۹۰). فارس در جنبش مشروطه‌خواهی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

شوارتس، پاول (۱۳۸۲). جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

عبرت نائینی، محمدعلی (۱۳۸۷). تذکره انجمن قدس: مجموعه اشعار در مدح حضرت ولی عصر و بزرگداشت نیمه شعبان در اواخر دوره قاجار، ج ۱، تصحیح و پژوهش: ابوالفضل مرادی، قم: مسجد مقدس جمکران.

تذکره شعرای دارالعلم شیراز آمده است که او قصیده سلام حکام را در اعیاد می‌خواند. نوا روزنامه‌نگاری نیز می‌کرد و در روزنامه‌های وقت شیراز، مثل ندای اسلام و انجمن اخوت و ناهید، فعالیت داشت. او در ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ق درگذشت و در حافظیه دفن شد (نک: فرصت شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۱۵؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۹۲۲/۲؛ رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۴۰: ۷۲۲-۷۲۶؛ پروین، ۱۴۰۲: ۱۲۴-۱۳۴).

۱۴. با مصرع تاریخ «شفا بجوی ز قانون خالق بی‌چون» (شعاع شیرازی. دیوان شعر (نسخه خطی). ش ۳۰۰).

کتابنامه

ابن بلخی (۱۳۷۴). فارسنامه، تصحیح لسترنج و نیکلسون، تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۰). مسالک و ممالک، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

امداد، حسن (۱۳۸۸). انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)، شیراز: نوید شیراز.

امداد، حسن (۱۳۸۷). فارس در عصر قاجار، شیراز: نوید شیراز.

امینی، هوشنگ (۱۳۹۵). «کاروانسرای دهبید» (مصاحبه). به کوشش نسیم فرهمند (منتشر نشده).

پروین، ناصرالدین (۱۴۰۲). «تاج الشعرای شیرازی شاعر روزنامه‌نگار»، بخارا، ۱۵۶: ۱۲۴-۱۳۴.

حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری، ج ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

داور شیرازی، مفید بن محمدنبی (۱۳۷۱). تذکره مرآت الفصاحه، تصحیح محمود طاووسی، شیراز: نوید شیراز.

دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵۶-۱۳۰۷ق (۱۳۷۷). تصحیح سید علی آداوود، تهران: امیرکبیر.

فرست شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷). آثار عجم، ج ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

فرست شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۵). تذکره شعرائی دارالعلم شیراز، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز: دانشگاه شیراز.

«فرمان به خط علی بن ابی الحسن الموسوی درباره لقب میرزا عباس خان مویده الشعرا» (سند خطی)، تهران: دانشگاه تهران، ش ۷۵۷۶/۱۳.

منشی زاده یزدی، محمدحسین (۱۳۷۱). سفرنامه، به کوشش محمدباقر منشی زاده، یزد: رامین.

منشی، محمدعلی (۱۳۸۹). «هدایه السبیل: شرح منازل میان تهران تا شیراز»، تصحیح رسول جعفریان، پیام بهارستان، ۸: ۲۱-۶۵.

منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ، ج ۲، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

مؤیدالشعرا، میرزا عباس سحاب تهرانی. دیوان شعر (نسخه خطی)، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، ش ۲۵۳۵.

مؤیدالشعرا، میرزا عباس سحاب تهرانی. دیوان شعر (نسخه خطی)، شیراز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (مرکز فارس)، ش ۶۰.

مؤیدالشعرا، میرزا عباس سحاب تهرانی. دیوان شعر (نسخه خطی)، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۲۸۲۸.

میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۴۰۳). طاق مینا: تاریخ معماری مدرسه خان شیراز (منتشر نشده).

نخجوانی، حسین (۱۳۴۳). مواد التواریخ، تهران: کتاب فروشی ادبیه.

نصیری طبیبی، منصور (۱۳۸۶). انقلاب مشروطیت در فارس، تهران: وزارت امور خارجه.

یزدان پناه، فروغ (۱۳۴۲). «تاریخچه تأسیس دبیرستان ناظمیه». سالنامه دبیرستان ناظمیه، شیراز: چاپ فولادوند.

Texier, Charles (1852). *Description de l'Armenie, la Perse et la Mesopotamie*, Vol. 2, Paris: Typ. de F. Didot freres.